

طرحی نو در محتوای کتاب‌های درسی زبان انگلیسی

محمد افضلی شهری^۱

چکیده

با فراگیر شدن زبان‌آموزی و استقبال روزافزون جوانان و نوجوانان از زبان انگلیسی به عنوان زبان علمی و بین‌المللی، و رواج کتاب‌های مختلف آموزشی که توسط ناشران و دانشگاه‌های معتبر انگلیسی زبان منتشر شده و در نشر آنها کلیه اصول و قواعد تاثیرگذار کتاب‌های آموزشی رعایت گردیده است، سوال‌های گوناگون و اساسی در ذهن اندیشمندان پدیدار گشته است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تاثیر زبان به طور اعم، و زبان انگلیسی به طور اخص، بر فرهنگ و رفتار ملل دیگر اشاره نمود. تاکنون یکی از دغدغه‌ها، حذف یا کاهش تاثیرات منفی فرهنگ‌های مختلف بر فرهنگ بومی، و از جمله تاثیرات مختلف فرهنگ غرب بر فرهنگ و ارزش‌های ملی و اسلامی بوده است. در همین راستا، از ابتدای انقلاب تاکنون تمهیداتی نیز اندیشیده شده است، اما به نظر می‌رسد چنانچه اصول تدوین کتاب‌های آموزشی به کار گرفته شود و محتوای آنها نیز با هوشیاری تنظیم گردد، نه تنها از اثرات منفی یاد شده کاسته می‌گردد بلکه می‌توان به صدور اندیشه‌های انقلاب و اسلام ناب محمدی همت گمارد. در مقاله حاضر سعی شده با بررسی نقطه نظرهای برخی از فلاسفه مشهور مغرب زمین و استفاده از دیدگاه‌های اندیشمندان معروف و تاثیرگذار مسلمان در خصوص جایگاه انسان در فلسفه تعلیم و تربیت و همچنین با نگاهی به احادیث اسلامی در این زمینه، اقدام به طرحی یک مجموعه کتاب آموزش زبان انگلیسی بر اساس اصول و روش تدریس زبان‌های خارجی نمود که ضمن آن با طرح مسائل فلسفی و کلامی از زبان شخصیت‌های کتاب و در قالبی جذاب، بتوان به اهداف مورد نظر دست یافت.

کلید واژه‌ها: زبان‌آموزی، آموزش زبان انگلیسی، زبان و فرهنگ، فلسفه تعلیم و تربیت و

آموزش زبان، جایگاه انسان در تعلیم و تربیت

مقدمه

زبان وسیله ارتباط نوع بشر است که وی را از موجودات دیگر متمایز می‌سازد. جورج یول^۱ در کتاب خود با نام «مطالعه زبان»^۲ به بررسی نظریات گوناگون در خصوص منشأ پیدایش زبان می‌پردازد و در این باره به فرضیه‌های گوناگونی اشاره می‌کند؛ از جمله فرضیه منشأ الهی^۳، فرضیه منشأ صداهای طبیعی^۴ و چند فرضیه دیگر. (Yule: 1965, 1-8) فرضیه‌های کم و بیش مشابهی نیز در این رابطه مطرح شده است، اما آنچه مورد اتفاق همگان می‌باشد آن است که هدف اصلی از پیدایش، شکل‌گیری و توسعه زبانی، برآورده ساختن نیازهای بشر است و با توجه به این که زبان مورد استفاده، نشان دهنده افکار، عقاید و ارزش‌های مورد احترام آن فرد و جامعه است، طبعاً هنگامی که زبان برای برقراری ارتباط و انتقال مفاهیم ذهنی به کار برده می‌شود، آن افکار و عقاید و ارزش‌ها، یا همان فرهنگ را نیز با خود منتقل می‌کند و بدین ترتیب اثر خود را کمابیش برمخاطب خود بر جای می‌گذارد که می‌تواند بسته به نوع فرهنگ و زیربنای فکری آن، اثری مثبت یا منفی باشد. این مسئله در فرضیه‌های گوناگونی مطرح شده است که شاید بتوان از فرضیه «ساپیر- وورف»^۵ به عنوان یکی از مهم‌ترین آنها نام برد. (Richards: 1992, 321) فرهنگ غرب نیز که از خدا محوری دور شده و انسان محوری و منافع شخصی را پایه و اساس همه چیز قرار داده است دچار بحران‌های مختلف، بویژه اخلاقی گشته که بر همه ناظران آشکار است؛ نمونه‌های فراوانی از این بحران‌ها را می‌توان روزانه در خبرهای منتشره توسط رسانه‌های مختلف مشاهده نمود مانند انواع و اقسام خشونت، تجاوز، آدم‌کشی و غیره. جالب اینجاست که اندیشمندان و متفکرین غربی بسیاری نیز به این بحران اشاره می‌کنند؛ به عنوان مثال ولفگانگ برزینکا^۶ هدف خود را از نگارش کتابش، تجزیه و

1. George Yule
2. The Study of Language
3. The divine source
4. The natural sounds source
5. Sapir-Whorf hypothesis
6. Wolfgang Brezinka

تحلیلی از مواضع فرهنگی و مشکلات و وظایف تربیتی موجود در اروپای متجدد و جهان صنعتی معاصر می‌داند و می‌گوید: «این مسائل با تمام وجوه اشتراک خود، در کلیه جوامع پیشرفته جهان به چشم می‌خورد. پیشرفت روزافزون صنعت، رشد بی‌رویه جمعیت، تحول و دگرگونی معیارها و ارزشهای اجتماعی و تمایل به دموکراسی، همه به جابجایی و انحطاط در شیوه‌های سنتی جوامع منجر شده است؛ همه جا پیوندهای مذهبی و اخلاقی سست شده است، به طوری که حتی علوم پیشرفته نیز نمی‌تواند جای این کمبودها را بگیرد.» (برزینکا، ۱۳۷۱: ۱)

وی در همین راستا در جای دیگری از کتاب خویش می‌نویسد:

«هر چند که روش‌های تفکر عقلی و منطقی موجبات پیشرفت صنعتی و رفاه مادی را فراهم ساخته است ولی به موازات آن نیز ایمان و رسالت بشر را که به حیات وی مفهوم و محتوا بخشیده است و همبستگی انسانها را تضمین می‌کند، به مخاطره افکنده است. انسان هرگز تا این حد آزاد نبوده است که حیات شخصی خود را آن طور که می‌خواهد سامان دهد، ولی با همین آزادی است که تزلزل در شناخت ارزشها، بیم از آینده و بحران‌های مختلف زندگی نیز فزونی‌تر شده است.» (همان) این بحران‌ها طبعاً دامنگیر کسانی هم خواهد شد که آن افکار و ارزش‌ها را به عنوان اصول خود برگزینند یا در تعامل فراوان با آن فرهنگ قرار داشته و لاجرم از آن تأثیر پذیرند. زبان انگلیسی که به دلایل گوناگون اکنون به یک زبان بین‌المللی تبدیل گردیده است، فرهنگ غرب را منتقل می‌نماید؛ بنابراین باید راهکارهایی جست تا بتوان نه تنها از تأثیرات سوء آن کاست بلکه به گونه‌ای موثر نسبت به ترویج افکار و اندیشه‌های اسلامی دست یازید.

چنین حقایق و واقعیت‌هایی سبب گردیده است آنهایی که دغدغه دین و فرهنگ دارند دست به کار شوند تا به مقابله با فرهنگ غرب برخاسته و با تبدیل نام‌های غربی به نام‌های اسلامی و نیز حذف برخی از کلماتی که برای مثال به چیزهای حرام اشاره دارند، مانند مشروبات الکلی، به کتاب‌های درسی و آموزشی زبان انگلیسی، محتوایی اسلامی ببخشند. بدون شک، این گام مفید است اما جامع نیست.

در این مقاله سعی شده است با پیشنهاد طرحی نوین برای تهیه و تدوین کتاب‌های آموزشی زبان انگلیسی، حتی‌الامکان به اهداف فوق‌الذکر دست پیدا کرد.

ضرورت تدوین این مجموعه برای رشته فلسفه و کلام

آلن سی. ارنشتاین^۱ و فرانسیس پی. هانکینز^۲ مبانی اساسی برنامه درسی را فلسفه، تاریخ، روانشناسی و جامعه شناسی می‌دانند. (ارنشتاین و هانکینز، ۱۳۷۳: ۳۸) فلسفه مبنای مهمی از برنامه درسی است، زیرا فلسفه مورد انتخاب هر مدرسه و کارمندان آن، بر اهداف، مقاصد، محتوا و سازمان برنامه درسی تأثیر می‌گذارد. فلسفه ما را یاری می‌کند تا با نظام شخصی و عقاید و ارزش‌های خویش، نگرشمان به جهان اطراف و ارزش آنها تغییر یابد. فلسفه به ما کمک می‌کند تا بفهمیم که هستیم، چرا هستیم و به کجا می‌رویم؟ فلسفه تلاشی است برای دیدن زندگی و مسائل آن از دیدگاهی کامل. فلسفه در جستجو برای ارزش‌های معین و قابل دفاع، روشن نمودن عقاید و نگرش‌های فرد، به نظم درآوردن چهارچوبی برای تصمیم‌گیری‌ها و عمل بر اساس آنها می‌باشد.

اهمیت فلسفه در تصمیم‌گیری‌های برنامه درسی به بهترین صورت به وسیله توماس هاپکینز^۳ شرح داده شده است: «فلسفه در هر تصمیم‌گیری مهم که در امر برنامه درسی و آموزشی در گذشته اتخاذ می‌شد، دخالت داشت و به عنوان اساس هر تصمیم‌گیری مهم در آینده، نقش خواهد داشت. زمانی که برنامه درسی برای معلم و دانش‌آموز مشخص می‌گردد، این تصمیم‌گیری چه آشکار و چه پنهان، بر اساس فلسفه است ... زیرا از میان گزینش‌های بسیار، فعالیت‌هایی انتخاب شده که ارزش‌های متفاوتی دارند.» (همان: ۶۶) فلسفه، ملاک و میزان برای مشخص کردن اهداف، مقاصد و پایان کار برنامه درسی است. اهداف بیانگر ارزش‌ها بر پایه عقاید فلسفی می‌باشند و مقاصد، نمایانگر فرآیندها و روش‌هاست که گویای گزینش‌های فلسفی است، و پایان، بیانگر حقایق، مفاهیم و اصول دانش یا رفتار فرا گرفته شده هستند که در اصل فلسفی است.

بر همگان روشن است که یادگیری زبان انگلیسی، به دلایل مختلف، برای تقریباً کلیه

1. Allan C. Ornstein
2. Francis P. Hunkins
3. Thomas Hopkins

دانشجویان غیر رشته زبان انگلیسی معضل بزرگی محسوب می‌شود؛ از دلایل آن می‌توان به نداشتن انگیزه کافی برای یادگیری این زبان اشاره کرد که آن هم به نوبه خود به دلیل کاربردی نبودن این زبان برای چنین رشته‌هایی است. با توجه به ماهیت، اهداف و مطالب رشته فلسفه و کلام، می‌توان با همکاری دو گروه از متخصصان، مجموعه مورد نظر را تألیف نمود: متخصصان آموزش زبان انگلیسی و متخصصان فلسفه و کلام. گروه اول با توجه به اصول و روش تدریس می‌تواند پایه‌های یادگیری را تقویت کند، و گروه دوم می‌تواند محتوای آنها را از منظر فلسفی و کلامی پربار سازد. دانشجویان نیز که توانسته‌اند کاربرد عملی فراگیری زبان انگلیسی خود را مشاهده کنند انگیزه‌های قویتری خواهند یافت تا از دانسته‌ها و معلومات خویش بهره جسته و در موارد لازم از آنها در دفاع از ارزشهای ملی و اسلامی سود جویند.

دیدگاه‌های فلاسفه و اندیشمندان گوناگون پیرامون تعلیم و تربیت و جایگاه

انسان در آن

الف) دیدگاه غربی‌ها

- افلاطون: وی نخستین متفکری است که به تأثیر جامعه و سیاست در تعلیم و تربیت و نیز تعلیم و تربیت در جامعه و سیاست توجه کرده و به مطالعه اوضاع و فلسفه آن پرداخته است. به عقیده وی جامعه از سه طبقه تشکیل شده است که در حکم طلا، نقره و آهن هستند. معادل این سه طبقه، در فرد نیز سه قوه شهویه، غضبیه و عاقله وجود دارد که با سه منطقه در بدن مطابقت دارند. غرض از تعلیم و تربیت نیز در وهله اول، پرورش قوه عاقله افراد مستعد است و این افراد را باید بازساخت و برای زمامداری آماده کرد. بدین ترتیب، آموزش و پرورش افلاطونی رنگ طبقاتی به خود می‌گیرد، اما وی توجه دارد که ریشه استعداد افراد در طبیعت است و نه طبقات اجتماعی؛ به عبارت دیگر، طبیعت افراد است که پایه و مایه طبقات اجتماعی را تشکیل می‌دهد نه برعکس؛ چه بسا فرزندان طبقه‌های برتر بی‌استعداد و فرزندان طبقات پست، مستعد باشند.

- فروید: از دیدگاه وی، همه گرایش‌های انسانی به غریزه جنسی و لذت‌جویی

بازمی‌گردد. روح نظریه او را می‌توان در دو اصل اساسی خلاصه کرد: اول این که انسان غیر از ضمیر خودآگاه خویش، دارای یک چهره عمیق‌تر وجودی است که در منش و کنش وی تأثیر

بسیاری دارد و اساس هویت وی را تشکیل می‌دهد که عبارت است از «ناخودآگاه». دوم این که «ناخودآگاه» انسان بیشتر بر پایه غریزه جنسی و لیبدو شکل می‌گیرد؛ غریزه جنسی از آغاز در کودک وجود دارد ولی در اثر عدم اشباع و مواجهه با موانع و سرکوبی‌ها، به صورت عقده درآمده، از خودآگاه به ناخودآگاه انتقال یافته و ناخودآگاه از امیال جنسی واپس زده تشکیل شده است.

- **مارکس:** وی معتقد است که همه ابعاد وجودی انسان از جمله ابعاد روحی و روانی وی تابع اوضاع اقتصادی و اجتماعی اوست. بنابر این نگرش، فرهنگ، تمدن، اخلاق و دین تابعی از علل و عوامل اقتصادی است و موفقیت‌های گوناگون اقتصادی است که طبقات مختلف را پدید می‌آورد و بدین ترتیب مبارزات طبقاتی شکل می‌گیرد و طبیعتاً ابعاد روحی و گرایش‌های انسانی همه بر محور وضعیت اقتصادی و اجتماعی انسان می‌چرخد.

- **نیچه:** این فیلسوف آلمانی رکن اساسی و اصل بنیادین گرایشها و تحولات اجتماعی و تاریخی را «انگیزه قدرت» و قدرت‌جویی انسان می‌داند. وی در تحلیل انسان، او را «حیوان قدرت طلب» نامیده و در نتیجه، علم دوستی و دین‌گرایی وی را نیز برخاسته از قدرت‌خواهی، و اخلاق صحیح را اخلاق اکتساب قدرت می‌داند. او جامعه را به دو طبقه نیرومند و ناتوان تقسیم می‌کند و حق بقا را مخصوص اقویا می‌شمارد.

- **دیوئی:** وی از شارحان و مفسران بزرگ پراگماتیسم (اصالت عمل) است که حقیقت فلسفه را همان فلسفه تعلیم و تربیت می‌داند و فلسفه تعلیم و تربیت از نظر وی نظریه‌هایی برای حل مسائل عملی، بارورتر کردن آموزش و پرورش و استفاده از تکنیک‌ها و وسایل پیشرفته در آن است. به نظر او، ملاک حقیقت در اندیشه، «سوددهی عملی» آن است و معیار حق و باطل، «نتیجه بخشی» و قابلیت حل مشکلات عینی به وسیله آن است. حقیقت، امری پویا و تابع بازدهی و فایده عملی؛ ذهن و فعالیت‌های آن گسسته از حقایق عینی و ثابت و کاشف آنها نیست، بلکه فعالیتی ارگانیک در حل مشکلات رفتاری و در جهت منفعت عملی است.

ب) دیدگاه مسلمانان

- **جاحظ:** نابغه برجسته‌ای است که وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حدود یک قرن از پرحادثه‌ترین دوران تاریخ اسلام در دوره عباسیان را مشاهده کرد و این تجربه همراه با

معاشرتها و آگاهی از علوم گوناگون، در او جامعیتی پدید آورد که در کمتر دانشمندی یافت می‌شود. وی انسان را موجودی معرفی می‌کند که مملو از تمایلات و نیازهاست که اگر به حال خود رها گردد به ظلم و فساد روی می‌آورد. بنا بر نظر او، قوه تعقل و شناختی که در انسان است او را بر حیوان فضیلت می‌بخشد؛ عقل و دانش به انسان این قدرت و توانایی را می‌دهد که معضلات جهان را حل کند و جهان را مسخر خویش گرداند. وی معتقد است که رفتار انسان و گزینشها و گرایشهای او از شناخت وی سرچشمه می‌گیرد، بنابراین اگر بخواهیم رفتار کسی را تغییر دهیم باید نگرش و دیدگاههای او را دگرگون سازیم.

- **ابن سینا:** او بزرگترین فیلسوف مشایی و پزشک نامدار ایران و جهان اسلام است. وی انسان را حقیقتی می‌داند مشتمل بر نفس و بدن با ویژگی‌هایی نظیر تعقل، که او را از سایر حیوانات متمایز می‌سازد. نفس او روحانی و مجرد است که با جدا شدن از بدن به حیات جاودانه خویش ادامه می‌دهد. ابن سینا اخلاق را خیر و فضیلتی می‌داند که باید در تمام امور فلسفی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی مطرح باشد. در نظر وی، تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه‌ریزی و فعالیت فرد و جامعه برای سلامت خانواده، رشد کودک و تدابیر اجتماعی برای نیل به سعادت در دنیا و آخرت.

- **فارابی:** وی که به معلم ثانی مشهور است از نظر اعتقادی، کاملاً به اصول و احکام اسلام پایبند بوده و به احتمال بسیار زیاد، از شیعیان است. وی انسان را حیوانی می‌داند که با ویژگی نطق و تعقل، از سایر حیوانات جدا می‌گردد و منشأ تعقل و خودآگاهی وی نیز تجرد روح است. او انسان را افضل انواع می‌داند و خلقت انسان را برای خدمت به موجودات ممنوع خودش می‌داند. وی انسان را مرکب از بدن و روح دانسته، اصالت را به «روح مجرد» وی می‌دهد و بنابر این، کمالات روح و ترقی آن را ارزشمندتر و اصیل‌تر می‌داند، بدون آن که ارزش مقدماتی بدن و آماده‌سازی آن را کم بشمارد.

- **شیخ اشراق:** او مؤسس فلسفه اشراق و از حکمای بزرگ اسلام در قرن ششم هجری قمری است که قرآن بر روح و اندیشه و آثار او سیطره دارد. وی انسان را موجودی قدسی، صاحب علم و اراده و فناپذیر می‌داند مشتمل بر بدن و نفس ناطقه، که به عالم سفلی سفر کرده و در آن گرفتار آمده است. اگر انسان جایگاه اصلی خود را فراموش نکند و در پی نیل به

مقام رفیع خویش باشد، به معارفی دست می‌یابد که دیگران از فهمش عاجزند و از وی افعالی صادر می‌گردد که خارق عادت است. جهان مسخر او می‌گردد و دعای او در عالم بالا مسموع است. شیخ اشراق در آثار خود کوشیده است اهداف فلسفه، عرفان و دین را در زوینه تربیت انسان به یکدیگر نزدیک کند. البته این اهداف همه در یک سطح قرار ندارند بلکه برخی از آنها مانند «قرب الهی» در رأس اهداف دیگر قرار دارد و اهداف دیگر، زمینه‌ساز آنند.

- **خواجه نصیر طوسی:** وی فیلسوف و حکیمی بلندآوازه، از دانشمندان و چهره‌های علمی ایران و مشرق زمین به شمار می‌رود. رصدخانه و کتابخانه او شهره آفاق است. او انسان را موجودی می‌داند که به لحاظ مراتب وجودی، از جمادات، نباتات و حیوانات برتر است و ملاک برتری او، عقل و اراده اوست. وی تنوع و تکثر مراتب وجود را بر اساس مقتضای طبیعت و حکمت می‌داند. وی بر این باور است که بدن آدمی به تدریج در مدارج استکمالی به پیش می‌رود و آنگاه که به درجه نفس‌یابی می‌رسد، خداوند متعال نفس ناطقه را بر آن افاضه می‌فرماید و آفرینش دیگری پدیدار می‌شود. وی اخلاق را ملکه راسخ در نفس دانسته که رفتار متناسب با آن به سهولت و بدون تردید و بدون نیاز به فکر زیاد صادر می‌گردد. انسان توانایی‌های گوناگونی دارد که از طریق تعلیم و تربیت و هدایت معلمان و مربیان، آنها را شکوفا می‌سازد تا به کمال علمی و عملی برسد و به سعادت نهایی و قرب الهی نایل آید.

- **مولوی:** از صوفیان و عارفان برجسته و شاعران نامدار قرن هفتم است. آرای تربیتی او بر انسان‌شناسی عرفانی مبتنی است که در آن بدن ابزار روح می‌باشد. وی فناء فی الله و بقاء بالله را از اهداف غایی تعلیم و تربیت اسلامی ذکر می‌کند. مقام فنا مراتبی دارد که از طریق سیر الی الله امکان‌پذیر می‌شود. مولوی از اهداف واسطه‌ای نیز غافل نمانده است که از جمله آنها می‌توان به پرورش و هدایت عقل و اندیشه و نیز به حل مشکلات وجودی اشاره کرد.

- **ابن خلدون:** او از اندیشمندان بزرگ اسلام و بنیانگذار جامعه‌شناسی علمی است. مقدمه تاریخ وی حقیقتاً از شاهکارهای فرهنگ اسلامی در جامعه‌شناسی علمی، اقتصاد، تعلیم و تربیت، تاریخ و ... است. وی می‌گوید انسان مرکب از روح و جسم است و بدن و اعضای آن، ابزاری در خدمت روح است و آثار نفس در بدن ظاهر می‌شود. او در باره معرفت، به محدودیت شناخت عقلی در کشف حقایق هستی اعتقاد راسخی دارد و استدلال می‌کند که با

ابزار مفاهیم کلی و عقلی، نه در باره محسوسات و مادیات می‌توان قضاوت کرد نه در زمینه عوالم غیبی و مجردات؛ زیرا ما را با اندیشه و علم حصولی، راهی بدانها نیست.

ج) دیدگاه اسلام

در اعتقادات اسلامی، انسان علاوه بر غرایز حیوانی، ویژگی‌های انسانی مختص، مانند حقیقت جویی، فضیلت‌خواهی، زیبایی‌طلبی و خداپرستی دارد که به صورت فطری در وی به ودیعه نهاده شده است. خداگرایی و تعلق قلبی به ماوراء طبیعت، بویژه دین، فطری و ذاتی است و در بعد اندیشه، انسان ویژگی‌های خاص خود را دارد و انسانیت انسان بعدی پایدار است و به حیوانیت وی باز نمی‌گردد. این فطری بودن بدان معناست که چنین ویژگی‌هایی در همه ادوار تاریخ و در همه افراد بشر وجود داشته، قابل سلب نبوده و عوامل خارجی در اصل وجود یا عدم آن تأثیر نداشته‌اند. بنابراین همه تمایلات انسان از اوصاف و قوای روح بوده و همه آنها، از جمله علم، اموری مجردند گرچه زمینه‌های مادی دارند و ارتباط آنها با بدن در بسیاری از اوضاع و احوال محفوظ است. یکی از ویژگی‌های مهم بشری، «اختیار» و آزادی و قدرت انتخابگری است؛ اهمیت این ویژگی تا بدان حد است که برخی‌ها آن را اساس شخصیتی و وجودی انسان می‌شمارند. در آموزه‌های اسلامی، رشد انسان در «آزادی»، از موانع کمال محسوب می‌شود در حالی که انسان به صورت فطری برای رسیدن به کمال هر چه بیشتر، در حال تلاش می‌باشد. موضوع تعلیم و تربیت در اسلام، روح انسان است که استعدادهای بالقوه دارد و دارای اختیار و آزادی برای به فعلیت رساندن آنهاست. کمال اصلی انسان نیز «تقرب به حق» است و میان دنیا و آخرت، رابطه‌ای حقیقی برقرار است که باید در همه شئون زندگی رعایت شود.

طراحی برنامه درسی

یک برنامه درسی می‌تواند به عنوان طرحی برای فعالیت یا برنامه‌ای نوشته شده، شامل استراتژی‌هایی معین، برای انجام اهداف نهایی تعریف شود. برای طراحی برنامه درسی باید به مبانی فلسفی، روان‌شناختی و اجتماعی آن توجه نمود و مبانی اساسی آن یعنی فلسفه، تاریخ،

روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را مد نظر قرار داد. طیف وسیعی از دیدگاه‌های تربیتی وجود دارد مانند دیدگاه رفتاری^۱، موضوعی^۲، اجتماعی^۳، رشدگرا^۴، فرایندشناختی^۵.... (میلر، ۱۳۸۳: ۷) که باید آنها را از نظر دور نداشت. علاوه بر آن، باید به تئوریهای آموزش توجه کرد و اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت آموزشی را از نظر دور نداشت. مجموعه این عوامل سبب خواهد گردید که کتابهای آموزشی مبتنی بر آنها موفقیت‌های شایان توجهی را به خود اختصاص دهند.

طرح پیشنهادی کتاب‌های آموزشی زبان انگلیسی

رسالت تربیتی و علمی حکم می‌کند که قبل از هر چیز به خصوصیات یک تئوری آموزش خوب بپردازیم که از نظر برونر^۶ شامل چهار ویژگی است: «اول، تئوری آموزش باید تجربیاتی را مشخص سازد که به بهترین وجه، تمایل به یادگیری را در افراد به وجود آورد. دوم، طرقی را مشخص سازد که از آن طرق، مجموعه‌ای از معلومات به صورتی سازمان داده شود که فراگیر آنها را به آسانترین وجه دریابد. سوم، موثرترین توالی را برای ارائه مواد درسی مشخص سازد. و سرانجام این که این تئوری باید ماهیت استفاده از پاداش و تنبیه را در فرایند یادگیری و تدریس مشخص کند.» (شریتمداری، ۱۳۸۴: ۴۷)

یک کتاب آموزشی مناسب باید دارای ویژگی‌های گوناگونی باشد؛ مجموعه این ویژگی‌ها را، با توجه به نظرات افرادی نظیر چستن^۷ (Chastain:1988, 327-370)، سلسه مورسیا^۸ (Celce-Murcia: 2001, 1-65) و (Celce-Murcia: 1979, 302-307) و لارسن فریمن^۹ (Larsen-Freeman: 2000, 11-158)، می‌توان به صورت مختصر چنین بیان کرد:

1. behavioral
2. subject
3. social
4. developmental
5. Cognitive process
6. Brunner
7. Chastain
8. Celce-Murcia
9. Larsen-Freeman

شکل ظاهری و جلد کتاب: یک کتاب خوب باید در نظر اول جذاب و چشم‌نواز باشد، از این رو باید حتی در انتخاب و ترکیب رنگها نیز دقت نمود. تصاویر و طرح‌های جلد کتاب هم باید از ویژگی‌هایی تبعیت کند که بتواند توجه مخاطب را به خویش جلب نماید. از این گذشته، کتاب باید در قطع و اندازه‌ای چاپ شود که برای حمل و نقل، راحت باشد. نکته مهم دیگر این است که جلد کتاب باید از جنسی انتخاب شود که بادوام باشد و پس از مدت کوتاهی از بین نرود زیرا در این صورت جذابیت خود را به سرعت از دست داده و از نظر روانی تأثیر نامطلوبی برجا می‌گذارد که نتیجه نهایی آن کاهش میزان یادگیری می‌باشد.

محتوای جذاب و به روز: از آنجا که هدف اصلی زبان‌آموزی، کاربردی ساختن آن است، باید مطالبی را برای تهیه و تدوین آن برگزید که به‌روز بوده و به زبان‌آموز به صورت عملی و فوری، کاربردی بودن آن را نشان دهد و با تزریق احساس موفقیت در وی، انگیزه او را برای یادگیری بیشتر و بهتر تقویت نماید. به همین دلیل است که می‌بینیم آن سری از کتاب‌های آموزشی زبان انگلیسی که توسط دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی معتبر انتشار می‌یابند، هر چند سال یک بار، قسمت اعظم تصاویر و مطالب مجموعه‌های خود را تغییر می‌دهند و به‌روز می‌نمایند. برای مثال می‌توانید به مجموعه‌های Headway یا Streamline مراجعه نمایید که اولین نسخه آنها حدود دو دهه قبل توسط دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده و تاکنون در چند نوبت دستخوش تغییرات فوق‌گردیده است.

تصاویر جذاب و متناسب با محتوا: همان‌گونه که در قسمت قبل ذکر شد، مجموعه‌های آموزشی معتبر زبان انگلیسی، به صورت ادواری مورد بازبینی و تغییر قرار می‌گیرند و بدیهی است که تصاویر به کار رفته در آنها نیز دچار تحول گردند زیرا این تصاویر باید از نظر منطقی، با محتوای مطالب ارائه شده هم‌خوانی داشته و در درک بهتر مطالب، فراگیر را یاری رسانند؛ نیز با توجه به اصل اساسی جذابیت، این تصاویر باید علاوه بر ارتباط محتوایی با مطالب دروس، از جذابیت کافی برای فراگیران برخوردار باشند.

تمرین‌های مناسب با اهداف آموزشی کتاب: هر دوره آموزشی اهدافی دارد که آن هدفها در کتاب‌های آموزشی آن دوره منعکس شده است یا این که کتاب‌هایی انتخاب می‌شوند که بیشترین قرابت را با اهداف آموزشی آن دوره داشته باشند. این هدفها معمولاً در

قسمت‌های مختلف کتاب، از جمله تمرین‌ها، جلوه‌گر شده و فراگیر را به سوی آن اهداف رهنمون می‌سازند. بنابر این، طبیعی است که اگر یکی از اهداف آموزشی ما توانمند ساختن فراگیران برای خواندن و درک مفاهیم متون گوناگون باشد، کتاب‌های آموزشی ما نیز باید دربردارنده متون مختلفی باشد و تمرین‌های آنها نیز شامل نکاتی باشد که فراگیر را در درک بهتر مطالب یاری کنند، مانند نکات دستوری، واژه‌ها و حوزه‌های معنایی وابسته، انواع پاراگراف و اجزاء تشکیل دهنده آنها، و غیره.

حجم مناسب هر درس با ساعات آموزشی در نظر گرفته شده: یکی از مسائل مورد توجه در آموزش، پرداختن به بعد روان‌شناسی قضیه است. در اینجا سعی می‌شود اثرات مثبت و منفی مسائل مختلف آموزشی مورد کنکاش قرار گیرد و در نهایت از اثرات منفی آنها حتی الامکان کاسته شود، زیرا این اثرات می‌توانند همانند سدی در برابر یادگیری عمل کنند و مانع از بروز آن گردند یا از میزان آن بکاهند. در این صورت، اگر حجم دروس بیش از اندازه باشد، ممکن است در نظرها بزرگ جلوه کند و فراگیر تصور نماید که این سنگ بزرگی است که از عهده او خارج است؛ همین تصور سبب ناامیدی وی گشته و انگیزش او را برای ادامه کار تضعیف می‌نماید. از سوی دیگر، چنانچه حجم دروس مورد نظر هم کم باشد امکان دارد برای برخی از فراگیران این تصور را به وجود آورد که کار خیلی ساده‌ای در پیش دارند و در نتیجه محرک و انگیزه قابل ملاحظه‌ای برای تلاش بیشتر نداشته باشند. توصیه محققان این است که حد وسطی را در نظر بگیرند و باحالت خوف و رجایی که در فراگیران به وجود می‌آورد آنان را به ادامه کار تشویق نمایند؛ پیشنهاد آنها این است که هر درس در سه الی چهار جلسه تمام گردد.

مناسب بودن و پیوستگی مطالب برای سطوح مختلف زبانی: مطالب آموزشی انتخاب شده باید با سطح مهارتی فراگیر متناسب باشد تا بتوانیم آنچه را به فراگیران ارائه می‌دهیم برای آنها قابل درک باشد؛ فرمولی که کرشن^۱ بدین منظور عرضه می‌کند (Brown: 1987, (I+1) 163) بیانگر این حقیقت است که مطالب ارائه شده به فراگیران باید تنها اندکی از سطح درک و فهم آنها بالاتر باشد به گونه‌ای که فراگیران بتوانند با اندکی تلاش، به درک آن مطالب نایل

1. Krashen, Stephen

گردند و در عین حال با احساس موفقیتی که به دست می‌آورند انگیزش قویتری برای ادامه راه پیدا کنند. پیوسته بودن مطالب در سطوح مختلف مهارت‌های زبانی نیز این پیام را برای فراگیران در بر دارد که مباحث زبانی گوناگون، به هم پیوسته بوده و به صورت جزیره‌ای عمل نمی‌کنند بنابر این باید به همه آنها توجه کافی مبذول داشت و با تلاش و تمرین بر آنها مسلط گردید و اگر خواستار تسلط بر مبحثی از زبان هستند بایستی به مباحث پیش‌نیاز آن نیز توجه کنند و بر آنها نیز مسلط شوند - یعنی این که یادگیری، امری مستمر و فراگیر است.

دارا بودن وسایل کمک آموزشی مختلف: در یادگیری، این مسئله به اثبات رسیده است که هر چه تعداد حواس به کار گرفته شده بیشتر باشد و فراگیر را بیشتر درگیر سازد میزان و عمق یادگیری هم بیشتر خواهد بود و به همین دلیل است که می‌بینیم کتاب‌های آموزشی زبان به طور روزافزون از وسایل کمک آموزشی بیشتر و بیشتری بهره می‌برند. ممکن است این مطلب به ذهن ما متبادر شود که در این صورت هزینه آموزش و تهیه کتب آموزشی نیز بالاتر می‌رود و مانعی بر سر راه یادگیری ایجاد می‌شود، اما مشاهدات و تجربیات نشان می‌دهند که اتفاقاً استقبال از آن سری کتاب‌هایی که دارای وسایل کمک آموزشی بیشتری می‌باشند بیشتر است؛ این مهم را شاید بتوان این گونه توضیح داد که در اثر به کارگیری وسایل کمک آموزشی بیشتر، میزان یادگیری افزایش یافته و با جلب رضایت مخاطبان، استقبال از این سری کتاب‌های آموزشی نیز بیشتر می‌شود.

توجه به مهارت‌های زبانی مختلف: چنانچه مهم‌ترین هدف زبان آموزی را به کارگیری آن برای رفع نیازها و برآورده کردن اهداف معین در نظر بگیریم، بدیهی است که باید بر تمام زوایای زبان اشراف مطلوبی داشته باشیم و این امر محقق نمی‌شود جز توجه به همه مهارت‌های خرد و کلان از قبیل شنیدن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن، تلفظ، الفبا، دیکته، دستور زبان و غیره. البته باید در نظر داشت که زبان را باید مجموعه منسجمی از این اجزا دانست که از یکدیگر جدا نیستند و شیوه غالب تدریس، شیوه‌ای ارتباطی^۱

1. communicative.

و متحد^۱ است.

توجه به ابعاد فرهنگی جامعه هدف: همان طور که قبلاً ذکر شد، نمی‌توان زبان و فرهنگ را از یکدیگر جدا ساخت؛ زبان که برای آشکار ساختن افکار است طبعاً ابعاد مختلف فرهنگی را نیز به دنبال خود می‌آورد. نکته حائز اهمیت آن است که شاید نتوان تمام نکات فرهنگی جامعه هدف را از این طریق برای فراگیران روشن ساخت، بلکه گاهی ضروری به نظر می‌رسد که برخی از این نکات مهم را به صورتی مستقیم و شفاف برای فراگیران توضیح داد تا ضمن آگاهی از آنها، جلوی سوء تفاهمات فرهنگی^۲ و پدیده‌های نظیر شوک فرهنگی^۳ و بیگانگی فرهنگی^۴ گرفته شود.

طرح پیشنهادی یک دوره کتاب آموزشی زبان انگلیسی

با توجه به مطالبی که در قسمت‌های قبل توضیح داده شد، این دوره پیشنهادی شامل سه کتاب در سطوح مقدماتی، متوسط و پیشرفته می‌باشد که در تدوین آنها تمام مسائل مورد بحث نام برد در خصوص ویژگی‌های یک کتاب خوب آموزشی رعایت گردیده است، اما آنچه محور اصلی بحث ما را در این قسمت تشکیل می‌دهد محتوای مطالب این کتب است که در نظر دارد ضمن کاستن از تبعات ناخوشایند فرهنگ غرب، به تلاشی دست زند که نتیجه آن آشنا نمودن غرب با فرهنگ و اندیشه اسلامی، تأثیرگذاری متقابل، و کنار گذاشتن حالت انفعالی در برخورد با مسئله فرهنگ باشد. لذا پیشنهادات مورد نظر را به صورت تفصیلی آغاز می‌کنیم.

طرح کلی ساختار کتاب: در این مجموعه، دو خانواده وجود دارند که یکی از این خانواده‌ها اهل کشوری انگلیسی زبان، مثلاً کانادا، است که نسبت به کشوری همچون آمریکا از نظر اخلاقی بسیار سالم‌تر است و نیز دارای جاذبه‌های فراوان طبیعی و گردشگری است که

1. integrative
2. Cultural misunderstandings
3. Cultural shock
4. anomie

می‌تواند منبع خوبی برای تصاویر مورد استفاده در کتاب باشد و در راستای جذاب نمودن آن مورد استفاده قرار گیرد. کشور مورد نظر دیگر نیز ایران است که در قالب آن می‌توان ضمن معرفی جاذبه‌های بسیار فراوان موجود در اقصی نقاط کشور و آشنا نمودن مخاطب با فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های آن، به انتقال آداب و رسوم ایرانی و افکار و اندیشه‌های اسلامی نیز همت گماشت که مطلب اخیر را می‌توان از طریق مسافرت خانواده کانادایی به ایران، آشنایی با یک خانواده ظاهراً معمولی ایرانی، مسافرت این دو خانواده با یکدیگر به نقاط مختلف ایران، گفتگوی آنها در مورد مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و غیره به انجام رساند. این سری کتاب آموزشی با معرفی کامل این دو خانواده آغاز می‌گردد که مخاطبان آن نیز فراگیران مبتدی زبان انگلیسی در نظر گرفته می‌شوند.

معرفی خانواده کانادایی: اعضای این خانواده چهار نفر شامل پدر، مادر، یک دختر و یک پسر می‌باشند. پدر خانواده فردی فرهنگی است و در یک کالج تدریس می‌کند. مادر خانواده دارای تحصیلات دانشگاهی است و خانه‌دار می‌باشد. فرزندان آنها نوجوان و دبیرستانی هستند که با توجه به فضای فرهنگی موجود در خانواده خود، نسبت به بسیاری از هم‌سن و سالان خویش از نظر اخلاقی و اعتقادی سالم‌تر می‌باشند. دلیل انتخاب چنین خانواده‌ای آن است که سرانجام در انتهای ماجرا این خانواده و بخصوص فرزندان آنها به این نتیجه و اعتراف می‌رسند که دین اسلام دین کاملی است که در جنبه‌های گوناگون اجتماعی و فردی نظر و دستور دارد و می‌تواند جامعه را به بهترین وجه ممکن اداره نماید؛ نمونه بارز آن نیز ایران است که آنها در سفر خود به این کشور، از نزدیک با حقایق موجود آشنا گشته و پی به این واقعیت می‌برند که آنچه توسط رسانه‌های غربی پخش می‌شود در راستای دیگری است و بیشتر جنبه سیاسی دارد. رسیدن به این حقایق است که آنها را در انتها به پذیرش واقعیت‌های موجود و اعتراف به برتری دین مبین اسلام وامی‌دارد، هر چند که به صورت مستقیم و شعاری، خواننده نمی‌بیند که آنها مسلمان شوند؛ آنچه در اینجا مدنظر قرار می‌گیرد تأثیری است که بر خواننده و مخاطب می‌گذارد.

معرفی خانواده ایرانی: این خانواده نیز از نظر ساختار فرهنگی و تعداد اعضای خانواده، به آن خانواده کانادایی شباهت دارد: تعداد آنها چهار نفر است؛ پدر خانواده در یکی از دانشگاه‌ها تدریس می‌کند و مادر خانواده نیز معلم زبان انگلیسی در یکی از دبیرستان‌های

دخترانه می‌باشد؛ فرزندان آنها نیز یک دختر و پسر نوجوان هستند که یکی در راهنمایی و دیگری در دبیرستان درس می‌خوانند. آنها نمادی از یک خانواده عادی ایرانی هستند که هر روز در جامعه دیده می‌شوند و نسبت به اعتقادات مذهبی خود پایبند می‌باشند. آنها نیز در مواقع لزوم، از اعتقادات دینی خود، با جدیت و منطق دفاع می‌نمایند. زندگی و افکار آنها که با واقعیات جامعه نیز همخوانی دارد سبب اثبات حقانیت اسلام بوده و بر فطرت آن خانواده کانادایی اثر مثبت می‌گذارد، فطرتی که بر اثر زندگی نسبتاً سالمی که دارند تا حدودی پاک باقی مانده و می‌تواند بر حق و حقیقت صحنه بگذارد، بویژه زمانی که در جو تبلیغات مغرضانه قرار ندارد.

نحوه آشنایی این دو خانواده: پدر خانواده ایرانی که استاد جامعه‌شناسی دانشگاه است برای فرصت مطالعاتی خویش در نظر دارد یکی از موسسات آموزش عالی کانادا را انتخاب نماید. برای نیل به این هدف، وی در پی کسب اطلاعات کافی، از اینترنت بهره می‌گیرد و فرزندان خود را نیز در این امر دخیل می‌کند. در اثنای همین جستجوهاست که با توجه به رشته مورد نظر خود، کالجی را در آنجا انتخاب می‌کند و با گروه مربوطه و سپس با پدر آن خانواده کانادایی ارتباط اینترنتی خود را شروع می‌کند. ادامه این ارتباطها نوعی دوستی بین آنها پدید می‌آورد که ادامه یافته و ماجراهای این دوره کتاب را پایه‌گذاری می‌نماید. بدیهی است در همین جا می‌توان بسیاری از مطالب و واژه‌های مرتبط با اینترنت، رشته‌های تحصیلی و غیره را برای مخاطب فراهم آورد که جاذبه خاصی را در بین جوانان و نوجوانان دارد.

سفر خانواده ایرانی به کانادا: این خانواده ایرانی پس از تهیه مقدمات لازم و مکاتباتی که از طریق اینترنت صورت می‌پذیرد، و طبعاً فراگیران را با نحوه مکاتبات اداری و شخصی و کار با اینترنت آشنا می‌سازد، راهی کانادا می‌شوند. در این قسمت، فراگیران می‌توانند با هواپیما، سفرهای هوایی، فرودگاه، گمرک و نظائر اینها آشنا شوند.

بازدید از مکان‌های دیدنی: در اینجا این خانواده ایرانی فرصتی می‌یابند تا از نقاط دیدنی برخی از شهرهای مهم کانادا بازدید به عمل آورند و با پیشینه تاریخی آنها آشنا گردند. پر واضح است که این قسمت از کتاب، جذابیت خاصی برای فراگیران خواهد داشت.

فرهنگ و رسوم کانادایی‌ها: در بازدیدهایی که این خانواده ایرانی از شهرهای مختلف

کانادا انجام می‌دهند با اقوام مختلف از جمله سرخپوست‌ها، آلاسکایی‌ها، مهاجران مختلف و شرایط زندگی و آداب و رسوم آنها آشنا می‌شوند. این قسمت اهدافی را دنبال می‌کند که از مهمترین آنها، فراهم آوردن امکان مقایسه غیرمستقیم شرایط زندگی مهاجران در دو کشور ایران و کانادا توسط فراگیران و رسیدن به این مطلب است که در ایران این شرایط بهتر و عادلانه‌تر فراهم شده است که ناشی از روحیه بشردوستی و دستورات اسلامی است که در عمق وجود ایرانی‌ها جای گرفته است.

آشنایی با سیستم آموزشی کانادا: این استاد دانشگاه ایرانی، در مطالعات خود به بررسی سیستم آموزشی کانادا می‌پردازد و بدین ترتیب فراگیران با جزئیات آن آشنا می‌شوند.

پرسش‌گری کانادایی‌ها از اوضاع مختلف ایران: از آنجا که ایران در سالهای اخیر محور توجهات جهانی بوده است هر جا این استاد ایرانی یا خانواده‌اش گام می‌نهند فراوان مورد پرسش قرار می‌گیرند که شامل سوالهایی پیرامون مسائل مختلف است و این خانواده نیز در حد مقدورات خویش و با زبانی ساده به آنها پاسخ می‌دهند. بدین ترتیب آنها نشان می‌دهند که ایرانی هر جا باشد ایرانی است و از اعتقادات و کشور خویش با برهان و منطق دفاع می‌کند. بدیهی است که در اینجا زبان‌آموزان به صورت غیرمستقیم آموزش می‌بینند که چه رفتارهایی را در برخورد با بیگانگان از خود بروز دهند.

سفر خانواده کانادایی به ایران: این استاد ایرانی پس از بازگشت به ایران، براساس رسم مهمان‌نوازی و تشکر از زحماتی که آن خانواده کانادایی برایشان متحمل شده بودند، آنها را به دیداری از ایران دعوت می‌کنند و آن خانواده نیز با توجه به شناختی که از ایرانی‌ها و روحیات آنها داشته و قبل از انقلاب نیز به ایران سفر کرده بودند، این دعوت را پذیرفته و پس از مدتی به ایران سفر می‌کنند، سفری که همیشه یکی از رویاهای آنها محسوب می‌شده اما به دلیل جو کاذبی که در آنجا بر علیه ایران حاکم بوده است پس از انقلاب سفر دیگری را تجربه نکرده بودند.

تفاوت چشمگیر ایران قبل و بعد از انقلاب: آنچه آنها در ایران مشاهده می‌کنند برای آنها شگفت‌آور است؛ پیشرفت‌های ایران در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و تکنولوژی علیرغم تحریم‌ها و کارشکنی‌های غربی‌ها و ابرقدرت‌ها در همه جا نمود دارد. در هر مورد نیز می‌توان از تصاویری جذاب و بدیع کمک گرفت. بدین ترتیب می‌توان در اینجا به تبلیغ مستقیم و غیر

مستقیم ایران پرداخت؛ و این دقیقاً همان چیزی است که غرب از طریق رسانه‌ها و هالیوود انجام می‌دهد.

دیدار از اماکن و آثار باستانی شهرها: می‌توان با هدف توسعه گردشگری، معرفی ابنیه و آثار تاریخی و صادرات صنایع دستی، این خانواده کانادایی را به شهرهای مختلف فرستاد و از طریق پرسش و پاسخ‌های آنها در بازارهای گوناگون شهرهای دور و نزدیک، به اهداف فوق دست یافت.

آشنایی با آداب و رسوم اقوام مختلف ایرانی: در همین گشت و گذارهاست که آنها با آداب و رسوم، بازی‌ها و غذاهای محلی ایرانی آشنا شده و زبان‌آموزان را نیز با آنها و واژه‌های مربوط آشنا می‌سازند به گونه‌ای که زبان‌آموزان به گردشگری داخلی ترغیب شده، در مواقع لزوم نیز به راحتی به معرفی جاذبه‌های ایران و آداب و رسوم آن می‌پردازند و در توسعه صنعت گردشگری موثر واقع می‌شوند.

آشنایی با سیستم آموزشی ایران: این استاد کانادایی نیز با توجه به علاقه خویش به مسائل آموزشی، تصمیم دارد از نزدیک و به صورت عمیق‌تر با سیستم آموزشی ایران آشنا گردد. در این مسیر می‌توان مقاطع مختلف آموزشی، قوانین کلی و رشته‌های مختلف دبیرستانی و دانشگاهی مهم را معرفی کرد؛ این قسمت تاکنون در تدوین کتاب‌های درسی مغفول مانده و زبان‌آموزان از ارائه معادل‌های انگلیسی رشته‌ها و دروس خود تقریباً ناتوان هستند.

بحث‌های اعتقادی: این قسمت را شاید بتوان مهمترین بخش این سری کتاب آموزشی و دلیلی برای انتخاب رشته‌های فلسفه و کلام دانست، چرا که هدف بسیار مهم این مجموعه، خودباوری فرهنگی، دفاع از ارزش‌های مورد قبول عامه ایرانیان و کاستن از اثرات سوء فرهنگ و تمدن غرب از طریق آموزش زبان‌های خارجی است. این اهداف را می‌توان در قالب پاسخ به پرسش‌های آن خانواده کانادایی به دست آورد. امید می‌رود با انگیزه‌هایی که این کتب آموزشی به دانشجویان فلسفه و کلام می‌دهد و با توجه به فلسفه وجودی این دو رشته، در عالم واقع نیز این دانشجویان بتوانند با اعتماد به نفس کافی در اشاعه و دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب همت ورزند.

بحث‌های اجتماعی: دین مبین اسلام که دستورات اخلاقی و اجتماعی فراوانی دارد و

پایه و اساس زندگی مردم و قانون اساسی ایران قرار گرفته است دارای چنان برتری‌هایی نسبت به بقیه ایدئولوژی‌هاست که هر فطرت نسبتاً سالمی در نهایت به آن اقرار می‌ورزد. در اینجا نیز تمام افراد آن خانواده فرهنگی کانادایی نیز پس از دیدن حقایق و رسیدن به پاسخ پرسش‌های خود، بر این برتری صحنه می‌گذارند.

تغییر نگرش نسبت به ایران و ایرانی: طبیعی است که پس از دیدن واقعیت‌های موجود و رسیدن به پاسخ‌ها، اکنون این خانواده کانادایی نگرش بسیار مثبت‌تری نسبت به ایران و جامعه ایرانی پیدا کرده‌اند و در کشور خود نیز مبلغ خوبی برای ما خواهند بود.

وسایل کمک آموزشی تکمیلی

به منظور کامل شدن اهداف آموزشی و پیدا نمودن قدرت رقابت بیشتر با دیگر مجموعه‌های آموزش زبان انگلیسی، ابزارهای دیگری نظیر کتاب کار فراگیران، راهنمای معلم، فلش کارت، سی دی، کاست و پوستر برای این دوره آموزشی در نظر گرفته شده است که همه آنها در تمام سطوح پیش‌بینی شده این دوره، قابل دسترسی می‌باشند به گونه‌ای که هر فرد بتواند با توجه به نیاز آموزشی خود، از آنها بهره ببرد.

خلاصه و نتیجه

در دنیای امروز که ارتباطات به راحتی و از طریق رسانه‌های گوناگون صورت می‌پذیرد توجه به یک عامل ضروری به نظر می‌رسد: تأثیرپذیری فرهنگ ملی از زبان‌های دیگر بویژه زبان انگلیسی که فراگیری آن تقریباً در همه سطوح رایج گردیده است. تعامل با زبان‌های دیگر در این مقیاس، تأثیرات فرهنگی وسیعی از خود بر جا می‌گذارد که با توجه به فرهنگ غرب و بحران‌های عمیقی که با آن درگیر است دغدغه‌هایی را برای دلسوزان ایجاد کرده و سبب اقداماتی از سوی آنان شده است؛ لیکن به نظر می‌رسد اقدامات انجام گرفته کافی نبوده است و نیاز به بازنگری وجود دارد. لذا در پیشنهاد تدوین این مجموعه آموزشی، این واقعیت در نظر گرفته شده است که اقبال عمومی برای فراگیری زبان انگلیسی وجود دارد و برای رسیدن به اهداف مذکور در این مقاله، باید این مجموعه آموزشی را به گونه‌ای طراحی نمود که نه تنها از نظر ظاهری و کیفیت مطالب برای مخاطب خود جذاب باشد بلکه از نظر محتوا نیز بتواند با استفاده از صاحب‌نظران رشته‌های دیگر همچون فلسفه و کلام، علوم قرآن و حدیث و نظائر

اینها، به مقابله با نشر فرهنگ غربی پردازد و علاوه بر آن نیز به انتشار عقاید و افکار اسلامی همت بگمارد و در راه حفظ اصول و ارزش‌های فرهنگی این تمدن باستانی و غنی، کوشش لازم را به سهم خود انجام دهد.

منابع و مأخذ

۱. ارنشتاین، آلن سی. و هانکینس، فرانسیس پی.، مبانی فلسفی، روانشناختی و اجتماعی برنامه درسی، ترجمه سیاوش خلیلی شورینی، انتشارات یادواره کتاب، تهران، ۱۳۷۷.
۲. برزینکا، ولفگانگ، نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز، ترجمه مهر آفاق بایبوردی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.
۳. شریعتمداری، علی، رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی، سمت، تهران، ۱۳۸۴.
۴. میلر، جی. پی، نظریه‌های برنامه درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی، سمت، تهران، ۱۳۸۳.
5. Brown, H. D. (2000). *Principles of Language Learning and Teaching*. 4th ed. NY: White plains.
6. Celce-Murcia, M. & McIntosh, L. (1979). *Teaching English as a Second of Foreign Language*. Cambridge, USA: Newbury House Publisher.
7. Celce-Murcia, M. (2001). *Teaching English as a Second of Foreign Language*. 3rd ed. Boston, USA: Heinle & Heinle.
8. Chastain, K. (1988). *Developing Second-Language Skills: Theory and Practice*. 3rd ed. Orlando, Florida: Harcourt Brace Jovanovitch, Inc.
9. Larsen-Freeman, D. (2000). *Techniques and Principles in Language Teaching*. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press.
10. Richards, J., Platt, J. & Weber, H. (1985). *Longman Dictionary of Applied Linguistics*. Essex: Longman Group Limited.
11. Yule, G. (1985). *The Study of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.